

اعتقاد به غیب و تأثیر آن بر سبک زندگی انسان

اگر کسی نتواند مسئله غیب را برای خود حل کند نمی تواند به اسلام اعتقاد واقعی داشته باشد و به آن عمل نماید. اموری مثل خدا، قیامت، بهشت و جهنم و...



خبرگزاری رسا - اگر کسی نتواند مسئله غیب را برای خود حل کند نمی تواند به اسلام اعتقاد واقعی داشته باشد و به آن عمل نماید. اموری مثل خدا، قیامت، بهشت و جهنم و... و علوم مربوط به این موارد، ماورای زمان و مکان و هر آنچه غیر مادی است و خواص ماده را ندارد، همه و همه از مصادیق غیب است.

نگرش به هستی از مقوله های اساسی و بسیار اثرگذار در سبک زندگی افراد است. هرکس (به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه) مجموعه هستی را به گونه ای می بیند و بر اساس آن، اهداف، بزرگراه ها و مسیرهای دراز مدت زندگی خود را ترسیم می کند. هستی شناسی اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. هر اندازه هستی شناسی افراد، گروه ها و جوامع با آموزه های اسلامی انطباق بیشتری داشته باشد و مقررات و قوانین حاکم بر آن ها اجرا شود، سبک زندگی آن ها به اسلامی بودن نزدیک تر است. بر این اساس، خطوط کلی این نوع از نگرش به هستی را در حد گزاره های خبری و توضیحاتی مختصر، مورد توجه قرار می دهیم.

ایمان به غیب

غیب شامل اموری همچون خدا، فرشتگان، جن، شیطان، روح، برزخ، قیامت، بهشت و دوزخ، امام زمان (عج) و ... می شود. یک بخش از هستی، همین طبیعت اطراف ماست که بخش ظاهری هستی است؛ مثل زمین، آسمان، ستارگان و...؛ قرآن در خصوص این طبیعت، سخنان متنوعی دارد که در ادامه به آن ها اشاره ای خواهد شد؛ اما بخش عمده و بزرگ هستی، بخش غیب آن است که از نظر کمیت قابل مقایسه با بخش شهودی آن نیست.

این بخش از نظر اثر گذاری نیز سهم بسیار بزرگی دارد؛ اگر چه ما انسان های معمولی ممکن است به واسطه درگیر شدن زیاد با بخش های مادی و شهودی، با بخش دیگر انس نداشته باشیم و برای ما نامأنوس باشد، ولی در وجود آن بخش، تردیدی نیست و بسیاری از اشکالات سبک زندگی انسان ها ناشی از دقت نکردن و باور نداشتن به اهمیت امور غیبی است.

اگر کسی نتواند مساله غیب را برای خود حل کند، نمی تواند به اسلام اعتقاد واقعی داشته باشد و به آن عمل کند. اموری مثل خدا، قیامت، بهشت، و جهنم فرشتگان، جن، شیطان، روح، امام زمان (عج) و علوم مربوط به این موارد، ماورای زمان و مکان و هر آنچه غیر مادی است و خواص ماده را ندارد، همه و همه از مصادیق غیب است. انسان در زندگی دنیایی اش می تواند به اذن خدا به بعضی از مصادیق آن دست یابد و بعضی از مصادیق آن پس از مرگ در عالم برزخ و یا آخرت، برای او آشکار خواهد شد و بعضی مصادیق هیچ گاه روشن نخواهد شد، بلکه از اختصاصات پروردگار است.

خداوند عالم غیب و شهود است 2 و همه در اختیار اوست 3 و هیچ کس دیگری از آن مطلع نمی شود مگر به اذن خداوند؛ حتی پیامبران نیز چنین ادعایی نداشته اند 4؛ و نزد اوست کلیدهای غیب، آن ها را کسی جز او نمی داند.

هر آنچه را در خشکی و دریاست می داند. هیچ برگی نمی افتد مگر اینکه او می داند و هیچ دانه ای در تاریکی زمین و هیچ تری و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی مبین آمده است. خداوند می داند که جنین داخل زهدان ها، نر است یا ماده؛ زشت است یا زیبا، بخشنده است یا خسیس، بدبخت است یا خوشبخت؛ کدام یک هیمة آتش دوزخ است و کدام یک همنشین پیامبران در بهشت. استواران در علم، کسانی هستند که ایمان به آنچه در پس پرده غیب است و تفسیرش را نمی دانند، آنان را از اینکه بخواهند به زور از درهای غیب وارد شوند، بی نیاز کرده است. پس، خداوند اعتراف آنان به ناتوانی از رسیدن به آن را ستوده و خودداری آنان را از غور کردن در آن، استواری در علم نامیده است.

خداوند از مصادیق غیب است، او دیدنی نیست، انسان ها باید از نشانه ها به وجودش پی ببرند. این نشانه ها در اطراف ما زیادند و در قرآن نیز از آن ها یاد شده است. کوچک ترین امور و بزرگ ترین آن ها و همه ارتباطات و نحوه وجود آن ها، از نشانه های وجود اوست.

بر این اساس، اگر دید و تفکرات در مورد هستی و بخش غیب آن، اصلاح شود بسیاری از مشکلات زندگی مردم و جامعه حل می شود؛ برای مثال کسی که به غیب (خداوند، معاد، ثواب و عذاب و...) اعتقاد داشته باشد به دیگر معنا کسی که دیدش نسبت به هستی، الهی است امید به زندگی، به آینده، اعتقاد کمک کردن به هم نواعان، و به طور کلی اعتقادات مثبت و مفید برای خود و جامعه و هم نواعان خود را داراست و بر عکس، کسی که دید صرفاً مادی گرایانه به هستی دارد فاقد اکثر اعتقادات مثبت می شود.

برزخ از امور غیر قابل مشاهده

برزخ را نمی بینیم ولی به آن ایمان داریم. نخستین مرحله پس از مرگ، مرحله برزخ است؛ «برزخ میان دو چیز است؛ پاداش و کیفری که در فاصله میان دنیا و آخرت به انسان می رسد» 5. امام سجاد (ع) در تفسیر آیه: «و پشت سرشان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند» 6 فرمود: آن برزخ همان گور است و آنان در گور، زندگی تنگ و سختی دارند. به خدا سوگند گور، یا باغی است از باغ های بهشت

امام علی(ع) در عبور از قبرستان، خطاب به همراهان خود می‌فرماید: «بدن‌های لطیف و تازه دگرگون گشته و استخوان‌های محکم و نیرومند، پوسیده‌اند و جان‌ها در گرو گناهان خود هستند و به خبرهای غیب یقین یافته‌اند». 8

عالم برزخ نیز همانند قیامت، نوعی عذاب و پاداش دارد؛ آنان که در دنیا خوب زیسته‌اند، در برزخ هم زندگی خوبی دارند؛ برای مثال شهیدان در عالم برزخ مورد عنایت پروردگار هستند 9. مؤمنان ممکن است آنچنان زندگی خوبی در برزخ داشته باشند که مشتاق خبر دادن به آشنایان خود باشند. 10 و کسانی نیز ممکن است آن‌قدر وضع سخت و دردناکی داشته باشند که هر روز صبح و شام همدم آتش باشند 11 و کسانی نیز به گناهان خود اعتراف کرده و آرزوی بازگشت می‌کنند. 12

قیامت، مرحله بعد از برزخ

در روز قیامت همه از قبرهای خود بیرون خواهند آمد 13. زمان آن معلوم نیست، مردم از پیامبر(ص) راجع به زمان قیامت می‌پرسیدند، اما خداوند متعال فرمود: «بگو علم آن نزد خداست و تو چه میدانی، شاید زمان قیامت نزدیک باشد». 14 به صورت نامعلوم و ناگهانی اتفاق می‌افتد. 15 بحث‌های قرآنی فراوانی در مورد قیامت مطرح شده است، ولی ما فقط می‌خواهیم تأکید کنیم که قیامت از دیدگاه اسلام یک امر قطعی است 16، از مصادیق غیب است و ما باید به آن ایمان داشته باشیم.

قیامت روز حسابرسی است، حتی در امور بسیار ریز و کوچک و جزئی 17، روز به دست آوردن نتایج زندگی دنیاست. 18 کسی که کارهای نیک انجام داده آن‌را می‌یابد 19 و کسی که کارهای بد انجام داده آن‌را خواهد دید. 20

در واقع روزی است که انسان‌ها همانگونه که خود را در دنیا ساخته‌اند، بروز و ظهور خواهند یافت. کسی مورد ظلم واقع نمی‌شود، اعمال دنیایی انسان به صورت دقیق حضور پیدا می‌کند، در آنجا جاوید و همیشگی خواهیم بود. 21 آنجا آخرین مرحله از مراحل وجودی انسان است، انسان‌ها به تناسب شایستگی‌های خود جایگاه پیدا می‌کنند.

در قیامت دیگر فرصت برای انجام کارهای نیک وجود ندارد. 22 زیانکار واقعی کسی است که خود را در آن زمان زیانکار بیابد. 23 امکان حيله‌گری و فریب دادن دیگران و خداوند وجود ندارد. این گونه باورها و اطلاعات و صدها نمونه ریز و درشت دیگر در باب قیامت را ما فقط از آیات و روایات به دست می‌آوریم. این‌ها همه از مصادیق غیب است و ما به آن ایمان داریم.

بهشت و جهنم نیز از امور غیبی است

ما به بهشت و جهنم ایمان داریم، چون آیات و روایات و دلیل عقلی بر وجودشان دلالت دارد. بهشت و جهنم ما در قیامت، نتیجه اعمال ما در این دنیاست. به کسانی که مؤمن و متقی هستند وعده بهشت داده شده است؛ و این بهشت به بزرگی همه آسمان‌ها و زمین است. آنان در قیامت در باغ‌ها و چشمه ساران خواهند زیست، جویبارهای متعدد برای آنها جریان دارد. 24 سلامتی و ایمنی کامل خواهند داشت، در سینه‌های آنان، کینه و عداوتی نسبت به یکدیگر وجود نخواهد داشت. 25

آرامش و استراحت کامل برای آن‌ها فراهم است. 26 هیچ سخن لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند. 27 نعمت‌های بهشتی برای آنها همیشگی است و نقصانی در آن‌ها وجود نخواهد داشت. در آنجا دیگر مرگی وجود نخواهد داشت. آنان چنین بهشتی را به ارث خواهند برد و در آن جاویدان خواهند بود. مؤمنان در آن روز خداوند را ستایش خواهند کرد که به آنان توفیق و هدایت عنایت کرده است و به آنان گفته می‌شود که بهشت، پاداش همان کارهای نیک شماست که انجام داده‌اید. 28 ولی این میراث در عوض آزمایش‌های زیاد و موفقیت‌های مومنان به آن‌ها داده می‌شود. 29

متقابلاً، کافران عنود و لجباز که به علم و اختیار خود، پیروی شیطان کردند و بردگی شیطان را بر بندگی خداوند ترجیح دادند، در عذاب جهنم گرفتار خواهند شد. کسانی مثل آل فرعون، حتی در برزخ نیز در صبح و شام گرفتار عذاب هستند و در جهنم وارد عذاب شدیدتری می‌شوند. 30 کافران در جهنم در بالای سر خود و در زیر پای خود طبقاتی از آتش دارند. 31 آتش جهنم برای بدکاران به گونه‌ای نیست که آنان بمیرند و آسوده شوند، یا آتش آرام گیرد و رنج و عذاب آن‌ها کاهش یابد. 32

روح انسان، یکی دیگر از امور غیبی

یکی از مسائل مهم در سبک زندگی شناخت نسبی روح انسان است چرا که بعد اصلی انسان روح اوست که بر جسم و زندگی تأثیر مستقیم می‌گذارد و در نحوه شکل‌گیری زندگی فردی و اجتماعی انسان سهم به سزایی دارد.

در هستی‌شناسی اسلامی، انسان مرکب است از دو بعد جسم و روح؛ ماهیت روح انسانی برای خود انسان قابل شناسایی کامل نیست. روح در ایجاد اولیه‌اش چیزی جدای از ماده نیست، همان روحی است که در هنگام زادن بچه وجود داشته است؛ در حالی که متصل به ماده است، تا آخر باقی می‌ماند و تکامل پیدا می‌کند؛ مانند آب گل آلودی که به مرور زمان گل‌های آن ته‌نشین شده و زلال و پاک

می‌گردد. در مجموع انسان در مورد روح مطالب کمی را می‌داند؛ در واقع شناسایی کامل روح در اختیار پروردگار است. 34 و منسوب به خود پروردگار است، او انسان را آفریده و از روح خود در او دمیده است. 35

اما اطلاعات فراوان دیگر را می‌توانیم از طریق متون دینی و تجربیات انسانی به دست آوریم؛ برای مثال، روح اصل است و بدن، پایگاهی برای زندگی کردن و پرورش دادن روح در این دنیای مادی. در بسیاری از موارد، قرآن از انسان در آخرت به روح تعبیر می‌کند. 36 خداوند به هنگام مرگ، روح را بسوی خود فرا می‌خواند، روحی که هنگام خواب هم به سوی خدا می‌رود، ولی چون هنوز زمان مرگ او فرا نرسیده به سوی بدن باز می‌گردد. 37

روح انسانی دارای حالات و ویژگی‌هایی است. برای مثال، حسادت برای روح زندان است 38، تحمل کردن فرد احمق برای آن مایه عذاب 39، بدخویی مایه تیره روزی و شکنجه و مداومت بر ذکر، خوراک آن است، همراهی با دوست خردمند باعث حیات و شادابی روح می‌شود.

روح ستون دین است و دانش ستون روح و بیان، ستون دانش. روح مانند جسم دارای حالات شش گانه: سلامت، بیماری، مرگ، زندگی، خواب و بیداری است؛ زندگی آن، دانش اوست و مرگش نادانی او، بیماری‌اش شک او، و سلامتش یقین او؛ خوابش غفلت او و بیداریش هوشیاری او است. 40 شادی باعث انبساط روح و غم، باعث گرفتگی روح و همراهی با دوست خردمند، باعث طراوت و زندگانی روح و تعلل در احساسات، باعث شکنجه روح می‌شود. 41

شیطان نیز از مجردات و از امور غیبی است

چنان که اشاره شد شیطان یکی از امور غیبی است که شناخت او و هدفش بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد و او در زندگی روزمره انسان دخیل است و همواره به دنبال فریب انسان می‌باشد بر این اساس شیطان از امور مؤثر بر سبک زندگی است که اسلام در مورد او نصایح و رهنمودهای فراوانی دارد.

موضوع شیطان در سبک زندگی اسلامی چنان جدی و مورد توجه است که مسیری در مقابل مسیر الهی تلقی می‌شود، چنان که حزب شیطان در مقابل حزب الله قرار دارد و همواره پیروی از شیطان، به عنوان تخلف از فرمان پروردگار تلقی می‌شود. 42 خداوند می‌فرماید: «ای مومنان، از گام‌های (راهبردهای) شیطان پیروی نکنید، هر کس از گام‌های شیطان پیروی کند بداند که او به ناشایستگی و نابکاری فرمان می‌دهد... و خداوند شنوای داناست». 43

شیطان برای گمراه کردن انسان از هر ابزار سودمندی استفاده می‌کند و از هر دری وارد می‌شود؛ گرچه قدرت قاهره‌ای علیه انسان ندارد، بلکه وعده‌ها و وسوسه‌گری او بسیار شدید و قوی است. شیطان مانند انسان نیست که دارای عمر کوتاه باشد بلکه از طرف خداوند مهلت و عمر طولانی دارد. 44 چنان که برای ما هست برای گذشتگان هم بوده و برای آیندگان نیز خواهد بود. خداوند می‌فرماید: «ما بسوی امت‌های پیش از تو رسولانی فرستادیم، پس شیطان اعمالشان را در نظرشان زیبا و تزیین کرد و او امروز ولی و سرپرست آنهاست و برای ایشان عذابی درد ناک خواهد بود». 45

یکی دیگر از مصادیق غیب، فرشتگان هستند

فرشتگان در طول تدبیر الهی و به امر او در تدبیر تمام امور هستی حضور دارند. 46 اما دیده نمی‌شوند. 47 مگر در روز قیامت و بعضی از آن‌ها در این دنیا هر گاه لازم باشد خود را به شکلی مناسب نشان خواهد داد. 48

جن، از دیگر مصادیق غیب است

در وجود جن هیچ تردیدی نیست؛ زیرا افزون بر نقل‌ها و حکایت‌های بسیاری که راجع به آن آمده است، یک سوره قرآن نیز به همین نام در مورد جن سخن می‌گوید. درباره جن مباحث زیادی نقل شده است که با رجوع به قرآن و احادیث و سایر متون دینی می‌توان از آن مطلع گردید.

830/702/م

پی‌نوشت‌ها و منابع:

- 1- «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة...» (بقره 3)
- 2- «عالم الغیب والشهادة و هو الحکیم الخبیر...» (انعام 73)
- 3- «وعنده مفاتیح الغیب لا یعلمها الا هو» (انعام 59)
- 4- «قل لا اقول لکم عندی خزائن الله و لا اعلم الغیب...» (انعام 50)
- 5- امام صادق «البرزخ القبری فیه ثواب والعقاب بین الدنیا والاخره» (تفسیر نور الثقلین ج 3 ص 553)
- 6- «علی عمل صالحا فیما ترکک کلا ان‌ها کلمه هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (مؤمنون، 100)
- 7- بحارالانوار، ج 78، ص 148
- 8- نهج البلاغه، خ 83

- 9- «ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احيا ولكن لا يشعرون» (بقره 154)
- 10- قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون به ما غفر ربى و جعلنى من المكرمين (يس 26)
- 11- «النار يعرضون عليها غدوا و عشيا و يوم تقوم الساعة ادخلوا ال فرعون اشد العذاب» (غافر 46)
- 12- قال ربنا امتنا اثنتين و احبيتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل (غافر 11)
- 13- ثم انكم يوم القيامه تبعثون (مومنون، 16)
- 14- «يسالوك الناس عن الساعة قل انما علمها عند الله» (احزاب، 63)
- 15- «حتى اذا جائتهم الساعة بغته قالوا يا حسرتنا على ما فرطنا فيها...» (انعام 31)
- 16- وان الساعة اتيه لا ريب فيها و ان الله يبعث من فى القبور حج، 7
- 17- «يا بنى انها ان تك مثقال حبه من خردل فتكن فى صخره او فى السماوات او فى الارض يات بها الله» (لقمان، 16)
- 18- «و انما توفون اجوركم يوم القيامه» (ال عمران، 185)
- 19- فمن يعمل مثقال ذره خيرا يره (زلزله، 7)
- 20- «و يوم تقوم الساعة ادخلوا ال فرعون اشد العذاب» (غافر، 46)
- 21- «ان الذين كفروا من اهل الكتاب و المشركين فى النار جهنم خالدين فيها» (بينه، 6)
- 22- «فقالوا يا ليتنا نرد و لا نكذب بايات ربنا و نكون من المومنين» (انعام، 27)
- 23- «ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم و اهلبيهم يوم القيامه» (شورى، 45)
- 24- «و بشر الذين امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجرى من تحت الانهار» (بقره 25)
- 25- «ان المتقين فى جنات و عيون ادخلوها به سلام امين» (حجر 45 و 46)،
- 26- اصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا و احسن مقيلا» (فرقان، 24)
- 27- «لا يسمعون فيها لغوا الا سلاما و اهم رزقهم فيها بكرة و عشيا» (مريم 62)
- 28- «اولائك هم الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون» (دخان 56)
- 29- «و قالوا الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله ...» (اعراف 43)
- 30- «و لنبلونكم به شى من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات» (بقره 155)
- 31- «النا يعرضون عليها غدوا و عشيا و يوم تقوم الساعة ادخلوا ال فرعون اشد العذاب» (غافر 46)
- 32- «لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل ذالك يخوف الله به عباده...» (زمر 16)
- 33- «والذين لهم نار جهنم لا يقضى عليهم فيموتو ولا يخفف عنهم من عذابها كذا لك تجرزي كل كفور» (فاطر 36).
- 34- «يسالونك عن الروح قل الروح من امر ربى وما اوتيتكم من العلم الا قليلا» (اسرا 85)
- 35- «فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين» (سوره ص، 72)
- 36- يوم يقوم الروحو الملائكة صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا» (نبا، 38)
- 37- «الله يتوفى الانفس حين موتها و التى لم تمت فى منامها فيمسك التى قضى عليها الموت و يرسل الاخرى الى اجل مسمى ...» (زمر، 42)
- 38- «الحسد حبس الروح» (غررالحكم و دررالكلم ص 372)
- 39- (همان ح 9831)
- 40- بحار الانوار، ج 1، ص 271
- 41- امام على «المطل عذاب النفس» (غررالحكم و دررالكلم ص 635)
- 42- «كلوا مما فى الرض حلالا طيبا و لا تتبعوا خطوات الشيطان» (بقره 168)
- 43- يا ايها الذين امنوا لا تتبعوا خطوات الشيطانو من يتبع خطوات الشيطان فانه يامر بالفحشا و المنكر (نور، 21)
- 44- «قال فانظرونى الى يوم يبعثون قال انك من المنتظرين» (اعراف، 15)
- 45- «عنكبوت 38»
- 46- «و السابحات سبحا فالسابقات سبقا فالمدبرات امرا» (نازعات 3-5)
- 47- «براي مثال در جنگ بدر واحد گروه گروه حضور پيدا كردند ولى ديده نشدند» يمددكم ربكم بخمسه الاف من الملائكة مسمومين» (ال عمران 125)
- 48- «فارسلنا عليها روحنا فتمثل لها بشرا سويا» (مريم 17)